

## "سیمای هزار افسانه در تفکر کودکان"

### خوانشی نو در باب الگوهای تربیتی هزار و یک شب در ادبیات تعلیمی کودکان

میثم خوئینی<sup>۱</sup> ، بهمن بهرامی منفرد<sup>۲</sup>

۱- کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، گروه زبان و ادبیات فارسی

۲- کارشناس دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، گروه زبان و ادبیات فارسی

#### چکیده

ریختن مسائل تعلیمی در قالب افسانه ها و شخصیت های خیالی مانند غول و پری و ... به جهت آموزش به قشر کودک، همانند صمیمیت آب است برای شستن جراحات. انتقال و بیان مسائل آموزشی از طرق غیر مستقیم و همچنین بیان داستان های تو در تو در ژانرهای خیال و افسانه با کمک گرفتن از تکنیک های اقناع و مزین ساختن قصه ها به ظرایف فرعی، از روش های رایج در ادبیات کهن بوده است. یکی از بارزترین ویژگی های هزار و یک شب که در این جستار مورد مذاقه قرار می گیرد، بیان مفاهیم اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی، در قالب حکایت و افسانه هاست که با توجه به درون مایه های این اثر، روایت و شخصیت پردازی، محتوای حکمی و اخلاقی، تصویر آفرینی و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی در آن، می توان این سوال را مطرح کرد که آیا هزار و یک شب با وجود اینکه از زمره آثار بسیار کهن و دارای بن مایه های اساطیری می باشد، با این وجود می توان از این آبخشور گوارا سهمی نیز برای تربیت کودکان امروز در نظر گرفت؟ هدف این جستار نمایش آموزه های اخلاقی و مهارت های اجتماعی با بررسی عناصر تعلیمی مربوط به ادبیات کودک و همچنین اثبات قابلیت همسان سازی این آموزه ها با شرایط آموزشی مدرن می باشد.

**واژگان کلیدی:** قصه شناسی، هزار و یک شب، ادبیات کودک، تعلیم و تربیت.